

# تاریخ اسلامی

# کرد

تألیف: هادی علی

ترجمه: علی غفوری

# نوعی سایتی برای نوآندیشان

سخن از مترجم

خواننده عزیز! کلماتی که اکنون در برابر دیدگانت صفت است، بخشی از حرفهای دل فردی است که در حدود سی سال پیش در یک اتاق ۱۲ متری به نام کلاس در رومتای مُحقری روی حلی خالی در ردیف‌های ۵ و ۶ نفره نشسته بود. و معلمی غیر بومی حدود اواسط بهار، ریاضی پایه اول ابتدایی را درس می‌داد.

معلم میان درس گاهی مکثی می‌کرد و کودکان را به قصد تحریر کُند ذهن خطاب می‌نمود و کودکان معمصون را به باد کش و نامزدا می‌گرفت. خشونت آقا معلم، هوای سرد و بی‌نام دیوارهای مرطوب و نور کم، و صدای حلی خالی که به جای صندلی از آن استفاده می‌شد و به هنگام لگد زدن برای شکنجه‌ی روحی از آن استفاده می‌شد، آن محیط تعلیم و

تریت را چندش آور ساخته بود.

علاوه بر آن محیط خالی از عطوفت و مهربانی؛ چکه بام کاه‌گلی و دویدن موش و حشراتی که از درز و لای دیوار بیرون می‌جستند، تمرکز فکری و فضای یادگیری را چنان دچار پریشانی می‌کرد که اگر نابغه‌ای کودکی خود را در آن مکان سپری می‌کرد، با صد هوش و ذکاآوت بی‌گمان استعدادهای فطری و خدادادی را از دست می‌داد.

محیط خارج از مدرسه نیز از داخل کلاس بهتر نبود. والدین همین دانش‌آموزان، الفبای خواندن و نوشتن را در گورستان یأس و تأسف دفن کرده و فاتحه‌ی خواندن و نوشتن را خوانده بودند. برای کودکانشان جز اشتغال به کارهای ساده‌ی کشاورزی و حرفة‌های روستایی قرون وسطایی برنامه‌ای نداشتند. تعداد افراد باسواند روستا به تعداد انگشتان دست نمی‌رسید و با سواد شدن را در چنین محیط و فضایی، عبور کاروان شتران از سوراخ سوزن تلقی می‌کردند. البته این تنها مرگذشت تحصیلی من نیست، بلکه سرنوشت بسیاری از افراد

## دانش آموخته‌ی آن روزگار است.

در چنین شرایطی و با کمبود امکانات، من و همسن و سلان معصوم آینده‌ی خود را مبهم می‌دیدیم یا بهتر است بگوییم به آینده‌ی مبهم می‌اندیشیدم. اما باری به هر جهت، راه تحصیل را پیش گرفته و آهسته و پیوسته چون موران مدام تلاش می‌کردم. از میان ما شاید یکی کوله‌بار خود را به مقصد می‌رساند و خواندن و نوشتن یاد می‌گرفت.

دوران ابتدایی در آن محل سپری شد. به دلیل نداشتن کمترین امکانات، ادامه‌ی تحصیل در آن محیط عملأً غیرممکن بود. لذا برای ادامه‌ی تحصیل، باید راهی شهر می‌شدیم. شهری مرزی در استان آذربایجان غربی به نام سردشت که به گفته‌ای به شهر زرتشت موسوم است. در شهر در دسته‌های ۳ و ۴ نفره اتفاقی اجاره می‌کردیم و هر هفته به روستا می‌رفتیم و مایحتاج هفته آینده را با خود به شهر می‌آوردیم. تقریباً تا پایان دوره راهنمایی همه ما دانش‌آموزان روستای دارساوین یک سرنوشت داشتیم. بعدها

مهریانی، صلح و صمیمیت که از قدیم‌الایام در میدان مبارزه گوی سبقت را از اسلحه‌های گرم و آتشینی همچون توب و تفنگ ریوده و امروز بشریت بعد از مسالیان متمادی متوجه این حقیقت شده است. اگر چه می‌دانیم این بینش هنوز هم جهان‌سمول نشده است.

آنچه در زندگی جامعه‌های بشری تغیر و تحول مطلوب ایجاد می‌کند قلم است نه توب و مسلسل، زیرا تغیرات این‌ها سطحی و گذراست.

اما انقلاب قلم، قلبی، عمقی، ریشه‌ای و اساسی می‌باشد هرچند صدا و غوغای ندارد، سکوت و صامت بودنش را گوشها بیشتر می‌شنود. زیرا قلم با درون سروکار دارد. و نیزه‌ی تیزی است بر دل‌های ستم پیشگان و استعمارگران. و به همین خاطر ظالمان و ناحق گویان تلاش در ساکت کردن قلم دارند تا امکان استعمار و استحمار عوام را داشته باشند. پس باید صلاح را در این بدانیم سلاح قلم را سلاح سرد بنامیم و تنها از این اسلحه استفاده کنیم و دیگر سلاحهای گرم و سرد را دور

دست تقدیر با تدبیر هم‌صدا بی و همسوی نکرد. هر کدام به دنبال سرنوشت خود رفیم...

من که بر گذشته‌ی خود بیشتر واقفم - و اکنون در سفر به تدریس مشغولم - راه تحصیل را انتخاب کردم. سکوت و سردی کلاس و خاطرات محرومیت‌های دیده و چشیده درس استقامت و پیروزی بر ناملایمات و شور و حرارت به درس و مدرسه را در دلم پروراند. و سرانجام عکس ذهنیت آن معلم را به ثبوت رساندم. آرزوهای دیرینه دوران کودکی را لباس تلاش و پایداری پوشاندم و اکنون به یاری حق و مدد از قلم، مرهم تیماری را بر بیماری ۳۰ ساله‌ام نهاده‌ام. ندای درون را از زبان حال پیرون کشیده و به زیان قال بیان و بر صفحه‌ی کاغذ تقریر می‌کنم. خدایی را سپاسگزارم که به من توانایی برداشتن و به کارگیری قلم را عطا کرد. مهمترین اسلحه صلح و آتشی و شناخته‌ترین وسیله‌ای که دانایان از روزگاران پیشین با کیفیت‌های متفاوت با آن سروکار داشته و دارند.

این اسلحه سرد اما سرشار از صداقت و صلابت، وفا و

یندازیم؛ زیرا از توب و مسلسل گرفته تا خنجر و شمشیر هر یک به نوعی ابزار خونریزی است و جز شعله ور ساختن کینه‌ها در سینه‌ها کاری از آنان ساخته نیست. اما قیام قلم پیامی دیگر دارد... انشاء الله.

کتاب حاضر که تحت عنوان: «مقدمه‌ای بر تاریخ اسلامی گرد»، تقدیم شما می‌شود، نوشته مؤلف گرامی هادی علی است و پیامی دیگر از قلم می‌باشد. سعی کرده‌ام آن را به زبان ساده و از عربی به فارسی ترجمه کنم.

در خاتمه لازم است خوانندگان گرامی بدانند که مؤلف محترم آقای هادی علی در کشور عراق زندگی کرده‌اند و پیشتر تألیفات ایشان مربوط به کشوری است که در آن نشو و نما نموده و از نص متن چنان برمی‌آید که کتاب را در اواخر قرن بیست میلادی به رشته تحریر درآورده است، یعنی زمانی که خود در بحبوحه جریانهای سیاسی کشورش شرکت داشته و ناملایمات ملت خود را لمس کرده است. نکته شایان توجه اینکه مؤلف در این کتاب نخواسته ملت گرد را بر سایر ملل

برتری دهد؛ آن هم به شیوه افراطی و غیرمعقول؛ که یادآور نژادپرستیهای مشهور باشد، بلکه خواسته همه اقوام را در سایه‌ی قانون قرآن براذر و برابر قرار دهد.

با این همه کتابچه‌ی حاضر قطره‌ای از اقیانوس بیکران تاریخ اسلام به طور عام و تاریخ ملت گرد به طور خاص می‌باشد. امیدوارم با ترجمه‌ی آن، خود را در ثواب ارائه‌ی این مطالب سهیم کرده باشم.

والسلام

روشن ساخته است و می‌فرموده علی غفوری؛ سفر ۵/۳/۱۳۷۹

@eslahe  
www.eslahe.com

دینی خود را با توجه به مفهوم اسلامی آن دیده بودند  
که این ایمان عالی و مقدس است که در میان ملل و مذاهب دنیا  
متفاوت است از این نظر مسلمانان این ایمان را با این نظر  
نمایند و این ایمان را با این نظر می‌بینند و می‌دانند  
که این ایمان از ایمان دیگرها برتر است و این ایمان  
در این ایمان از ایمان دیگرها برتر است و این ایمان  
در این ایمان از ایمان دیگرها برتر است و این ایمان  
در این ایمان از ایمان دیگرها برتر است و این ایمان

### مقدمه مؤلف

خداآوند بزرگ، آیین اسلام را برای آدمیان مقرر فرموده  
است اگر چه ظهور آن از میان ملت عرب بود، ولی این بدان  
معنی نیست که ملت عرب نسبت به ملل دیگر برتری خاصی  
داشته باشد. زیرا قرآن حکیم، اساس وحدت و انسایت را  
روشن ساخته است و می‌فرماید: «ای آدمیان! خداوند شما را  
از زن و مردی (آدم و حوا) آفرید و به چندین قوم و طایفه  
 تقسیم کرد تا همیگر را بشناسید و با هم تفاهم داشته باشید،  
بدانید که بهترین شما نزد خداوند کسی است که بیشتر تقوای  
خدا را داشته باشد همانا خداوند داناترست.»<sup>(۱)</sup>

اعراب مانند دیگر اقوام آن روزگار در باتلاق گمراهی  
می‌غلتیدند و در تمام زمینه‌های زندگی خوار بودند. اساس

مبارزه برنمی خاستند. همچنان اگر دست آورده ملی و محلی بود. آن گونه که امروزه حامیان نظریه ملی گرایی جاهلی، قلمداد می‌کنند و به مردم نشان می‌دهند. هیچ ارزش و اهمیتی برای منبع (الهی) و آسمانی آن باقی نمی‌ماند.

بلی درست است که پیامبر اسلام ﷺ عرب بود، ولی این دلیل بر عربی بودن اسلام نیست؛ زیرا اسلام نه مالی محمد ﷺ است و نه از جانب عرب آمده، بلکه محمد ﷺ یکی از پیامبران خدا همچون پیامبران پیشین است و اگر پیامبر، عرب است باید بدایم که [دشمنان پیامبر و اسلام] امثال ابوجهل، ابولهب، ولید بن غیره هم عرب بودند. اگر عرب بودن پیامبر، دلیل عربی بودن اسلام هم باشد، نمی‌باشد ابوجهب عمومی پیامبر و همپالگی‌های ابولهب با پیامبر دشمنی و تضادی داشته باشد.

اسلام در شکل ملی گرایی افراطی، از فکری مادی سرچشم می‌گیرد که ظهور آن را از ملت عرب می‌داند نه از منبع وحی الهی. گرچه این طرز فکر، ظاهراً وحی را انکار

زنگانی آنان عبارت بود از پرستش بُت و مادیات محض. که راه درست فکر کردن را بر آنان بسته بود، عربها در ابتدا به شدت مخالف ندای اسلام بودند و در مقابل آن ایستادند و پرچم داران آن را شکنجه و آزار دادند. به طوری که یلال جشی، صهیب رومی، عمار فرزند یاسر و مادرش سمیه، (اولین شهید اسلام) به دست ابوجهل ناپاک به شهادت رسید. ابولهب، ابوجهل، ولید بن غیره و بیشتر مردان عرب که نژادپرستی و بُت پرستی جاهلیت آنان را در مقابل خورشید تابان اسلام گر و کور کرده بود، با تمام قدرت در برابر این دین پاک ایستاده بودند. بنابراین می‌توانیم بگوییم آنان که باور راستین اسلام را پذیرفتند تنها عرب نبودند. و اگرچه می‌دانیم که عربها اولین کسانی بودند که اسلام را قبول کردند و در راه آن مبارزه کردند، باز هم می‌توانیم کسانی را در میان عربها نام ببریم که علیه آن مبارزه کردند.

پس با این وجود اسلام بر فامه قوم عرب نیست و محصول ملی و موروثی آنان نمی‌باشد. چرا که اگر چنین بود، با آن به

می فرماید: «ای پیامبر! تو را رحمتی برای جهانیان قرار دادیم.»<sup>(۱)</sup>

بنابراین اسلام تنها به ملت عرب اختصاص ندارد، بلکه برای همهٔ جهانیان است. به همین دلیل پیام اسلامی تمام

افراد انسان و همهٔ اقوام بلکه همهٔ جاندارانی را که در این جهان زندگی می‌کنند مخاطب قرار می‌دهد. پرسش دیگر اینست: راجع به فکر ملتی‌گرایی در مورد درخواست سران قریش از پیامبر مبنی بر اینکه فقراء و زحمتکشانی امثال بلال، صهیب و زید بن حارثه را از خود براند چه می‌گویند؟ که به خیال خام آنان بته و برده چگونه با سران و بزرگان در یک صف قرار بگیرند؟... اما پیامبر به فرمان خدا از سران و اشراف قریش رویگردان شد و به سخن آنان اعتنایی نکرد. قرآن هم قوم عرب را تهدید می‌کند که «مبارا از دین رویگردان شوند؛ زیرا خداوند ملت دیگری را به جای آنان قرار می‌دهد.»<sup>(۱)</sup>

اکنون ببینیم اسلام چه ویژگی برای قوم عرب به ارمغان آورد؟ در دوره عباسیان که اعراب از بعضی رفتار اسلامی رویگردان شدند و آن را رها ساختند، مگر ملت ترک و گرد نبود که پرچم اسلام را از آنان گرفته و جهان اسلام را از دست

جهان رسیدند و اقوام دیگر آنها را ارج نهادند. به طور کلی تنها عرب نبود، بلکه گرد و ترک، فارس و اقوام دیگر نیز در تاریخ اسلام هر کدام سهم بسزایی داشته و مبارزه قاطع گرده و برای حفظ و گسترش آن قربانی داده‌اند.

به این دلیل در قرآن خطاب به آنها می‌گوید: «بر تو ملت می‌گذارند که مسلمان شده‌اند. تو نیز به آنها بگو: به خاطر مسلمان شدتان ملت ننهید. خداوند بر شما ملت می‌گذارد به خاطر ایمان و راهنمایی شدتان اگر راست می‌گویید.»<sup>(۱)</sup>

در اینجا هدف ما این نیست که نقش آغازین عرب را در توسعه و گسترش اسلام نادیده بگیریم و از آن چشم پوشی کنیم. بلکه آنان بودند که در آغاز به حقیقت پرچم اسلام را برافراشتند. آن گاه که از تزاد پرستی دست برداشتند و تنها هدف‌شان جامعه اسلامی توحیدی شد. سخن این است که نباید مبارزات ملت‌های دیگر از جمله: ترک، گرد، فارس، افغان و...، را در اسلام نادیده گرفت.

مسيحيت نجات دادند و پرتو تعاليم قرآن را به سرزميني رساندند که هرگز عرب پا به آنجا نگذاشته بود؟! پس آين آين اسلام آين هميشه جاويد تمام ملت‌ها و برای همه‌ي جهانيان است.

اسلام ميراث عرب نیست که از پيامبر برای آنان به ارث رسيد باشد؛ زيرا پيامبر هم آن را از کسی به ارث نگرفته بود، بلکه اسلام از جانب خداوند برای هدايت بشر به راه راست فرستاده شده است. تمام ملت‌ها می‌توانند از اسلام کسب فيض کنند و با عمل خالصانه به دستورهای آن پرچم عدل و داد را در جهان برافرازنند و خوشبختی هر دو جهان را به دست آورند. ييشتر تاریخ نویسان به شیوه‌ای خاص چنان اظهار گرده‌اند که تنها عرب در استقرار و گسترش اسلام نقش بسزا و منحصر به فرد داشته تا وانمود کنند که اسلام مربوط به قوم عرب است و پس.

در واقع هر قدر عرب در توسعه اسلام تلاش گرده باشد، باز هم کم است، زيرا به سبب اسلام اين قوم به سروري و مالاري

در این مقدمه هدفمان رده آن نژادپرستی و ملتی گرایی افراطی<sup>(۱)</sup> است که اسلام خود از آن تبری جسته. چرا که فکر فاسدی جایگزین اسلام گشته است. حکومت‌های عرب به سبب ضلالت و جهالت، اقوام مسلمان هم سنگر خود را با نژادپرستی در دنیا از دست دادند هم منحجان مخلصی که در یک آب و خاک زندگی می‌کردند. و از آن جمله قوم کرد... نوشتند این مقدمه برای امت قرآنی بزرگی است که از گرد و ژرک و عرب و فارس و افغان و... تشکیل شده و اسلام را می‌هن و قوم قلمداد می‌کنند. این مطالب را برای تمامی این ملت‌ها و به ویژه برای ملت ستمدیده گرد می‌نویسم.

از خداوند منان خواهانیم همگان را از ضلالت و جهالت نجات دهد و به شاهراه قرآن هدایت فرماید به امید به پا خاستن رهبرانی بزرگوار چون «صلاح الدین ایوبی» و «دانشمندانی فرزانه چون (ابن صلاح شهرزوری)...

## این لغت پوشیدن این طبقه نیزه‌ای را بسیار شکننا زیرا این شفه بیشترین سلسله این اتفاقات را نمی‌داند و ای سر گفتار

اکنون که این کتاب را می‌خوانیم، هدف این نیست که تاریخ ملتی یا میهنه گرد را مطالعه کنیم. بلکه تاریخ یکی از ملت‌های مسلمانی را بررسی می‌نماییم که در شکل‌گیری تمدن اسلام نقش بسزایی داشته است. تاریخ اسلامی به تنها ی ای تاریخ ملت عرب نیست، بلکه عبارت است از تاریخ تمام ملت‌هایی که به طور واقعی در قلمرو اسلامی زندگی کرده‌اند. ملت گرد یکی از آن ملت‌هایی است که در تاریخ درخشان اسلام جایگاه ویژه‌ای داشته است. به همین دلیل لازم است اهمیت ویژه‌ای به تاریخ اسلامی گرد داده شود؛ زیرا در پاره‌ای موارد آن را به دست فراموشی سپرده و در مواردی به عمد در آن دست برده و تغییر داده‌اند. [البته] ما از کسانی نیستیم که برای قوم گرد ناله سردھیم و برای سر و سامان گرفتن دویاره‌ی

۱- نسونه آن، آپارتاید در آفریقای جنوبی و نژاد ژرمن در آلمان نازی.

این ملت از ملت عرب و اقوام دیگر درخواست ترجم بنماییم و احساسات عاطفی دیگران را تحریک کنیم. ملت گرد بزرگ‌تر و لایق‌تر از اینها است.

ما می‌خواهیم واقعیت تاریخ را بیان کنیم تا بدانیم و درک کنیم تا چه اندازه تاریخ ملت‌های مسلمان را تحریف و واقعیت‌ها را پایمال و از آن چشم‌پوشی کرده‌اند.

ملت گرد، دارای اصالت نژادی، فطرتی پاک و عقیده‌ای راسخ است و می‌تواند از نو پیاخیزد و اسلامی بودن خود را ثابت کند و نقش اساسی خود را در حوادث جهانی نمایان سازد. گرچه امروز وضع نابسامانی دارد. البته با حاکمیت وضع موجودی که از آن می‌نالد و برداشت‌هایی که همسایگان او از اسلام دارند، وضعیت او چندان قابل سرزنش هم نیست؛ زیرا هرگاه برادری از اسلام حذف می‌شود، جز مشتی افراد دروغگو و خودپرست و دنیا دوست، واقعیتی از اسلام بر جای نمی‌ماند. این است که اولاً باید از ملت مسلمان عرب گلایه و آنان را سرزنش کرد، سپس از ملت مسلمان ترک و ... . ابتدا لازم

است این ملت‌ها از ادعای ناسیونالیستی<sup>(۱)</sup> و امتیازات خونی، زیانی، نژادی دست بردارند. ملت عرب باید قبل از هر چیز سخن والای عمر صلوات الله عليه و آله و سلم را بیاد آورند که به آنان گفت: «شما ضعیف‌ترین ملت بودید خداوند به سبب اسلام شما را قدر و متزلت داد و اگر بزرگی را از چیز دیگری [غیر از اسلام] جویا شوید، خداوند شما را ذلیل و خوار خواهد کرد.»

ملت گرد هم باید بداند که تنها در سایه اسلام می‌تواند سریلنگ و شرافتمند زندگی کند و نقش سازنده‌ای در حوادث جهان ایفا نماید. تاریخ هزار ماله‌ی اسلامی ملت گرد بهترین سند این واقعیت است. حوادث و مشکلات ناخوشایند عصر حاضر و وضع ناهنجار و ناهموار کنونی، سند محکم ادعای ماست. برای اطمینان از این حقیقت، نیازمند به تحقیقی در تاریخ اسلامی گرد هستیم که بر اساس دیدگاه راستین اسلام و تحقیق آگاهانه پایه‌ریزی شود.

۱- اشاره به مسئله پانزیکم ترکیه و پانزیم عربها دارد. (ترجم)

## نقش امپریالیسم در فروپاشی دولت عثمانی

همانطور که قبل اگفته لازم است تاریخ اسلام با دیدگاهی اسلامی نوشته شود و کاملاً از لوث غرض ورزیهایی که توسط بعضی از پیروان ادیان دیگر<sup>(۱)</sup> و شرق‌شناسان اروپایی مسیحی به وجود آمده پاک گردد. زیرا غلط اندازهایی که آنها در آن ایجاد کردند، به منظور ایجاد یک قالب نژادی و محلی فاسد صورت گرفته است، تا تاریخ اسلام را به صورت تاریخ یک ملتیت بی‌روح (که هیچ‌گونه پوستگی با هم ندارند) درآورند. از جمله تاریخ عرب، تاریخ گرد، تاریخ تُرک و غیره. تا از این طریق اسلام هم به اسلام عرب، اسلام تُرک، اسلام فارس و... تقسیم کرده باشند و بدین شیوه هدف‌ها و آرزوهای خود را دنبال کنند و فکر ملّی‌گرایی جایگزین فکر اسلامی شود و از

۱- منظور پیروان تورات و انجلی است که از اصول آن عدول کرده‌اند.

این راه مسلمانان بیشتر متفرق شوند و آنان را تسلیم احساس نژادپرستی سازند که اینها خود مانع بر سر راه وحدت مسلمانان بوده است. چرا که این امور در واقع زمینه ساز امپریالیسم فکری گشته است که خود امپریالیسم نظامی را به ناچار به دنبال دارد. آن گونه که در آغاز قرن ییستم به وقوع پیوست.

فکر پلید ملّی‌گری افراطی عربی و ترکی بود که دولت بزرگ اسلامی عثمانی را نابود ساخت و به دنبال آن امپریالیسم جدید مسیحیت (صلیبیون) مرگب از انگلیس، هلند، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا و روس توanstند جهان اسلام را میان خود تقسیم کنند و هر کدام قسمی را زیر سیطره خود بکشند. مثل اینکه سهم الارض اجدادشان باشد. دولت‌های امپریالیستی با تمام قدرت برای تقسیم و تفکیک ملت‌های مسلمان نقشه کشیدند و به اجرا درآوردن ملت‌هایی که در سایه اسلام زندگی می‌کردند و در راه آن قربانی داده بودند.

کتابهای تاریخی زمان حاضر، به مبارزات ملت‌هایی که در

راه اسلام انجام داده بودند توجهی نکرده و جز درباره تاریخ عرب چیزی ننوشته‌اند. گویی تاریخ اسلام عبارت است از تاریخ عرب و بس. و اگر اندکی هم نوشته شده به طور ناقص و پراکنده نوشته شده که جز در قالب افروختن آتش کینه توزی و دشمنی و ملیت پرستی چیز دیگری نیست.

برای نمونه کتب تاریخی معاصر، حکومت اسلامی عثمانی را با نام امپریالیسم ژرکی یاد می‌کنند و آن را از پیشگامان سیاست تریک<sup>(۱)</sup> می‌دانند. در واقع «کمال آتاٹرک» از پیش قراولان این خیمه شب بازی بود که دولت‌های امپریالیست وی را علم کردند.

این پهلوان پنه یکی از اعضای حزب «اتحاد و ترقی» که پرچم نژاد پرستی تورانیان را برافراشت بود. بنیانگذاران این حزب از شهر «سلاطینیک» بودند که در یوگسلاوی آنان را

۱- تریک و تعرب هر دو بر وزن تعیل نوعی سیاست دولتهاست که می‌خواهد ملت‌های دیگر را به زور به زیان و فرهنگ می‌لشی که خود جزو آن هستند در آورند و فرهنگ و آداب قبلي را از آنها بگیرند. تریک به معنی به زور ژرک کردن و تعرب به معنی به زور عرب کردن است.

یهودی (دونمه) می‌نامیدند. به ظاهر طوری و انmod کردن که مسلمان هستند، اما در حقیقت همان یهودیهایی بودند که (ماسوفری) جهانی برای اجرای نقشه شوم خود در قلمرو جهان اسلام انتخاب کرده بود.<sup>(۱)</sup>

دولت عثمانی حکومتی اسلامی بود که مدت ۹ قرن پرچم اسلام را در جهان افراسته نگاه داشت. اما ضعف حکومت و سهل‌انگاری برخی از سلاطین و صاحبان امر و دست تطاول و چپاول ماسوفری، نقش بسزایی در تضعیف و غارت این حکومت داشت. ماسوفری به سبب داشتن دم و دستگاه و افراد مزدوری که در سراسر جهان جای پا باز کرده بودند (واز آن فرمان می‌گرفتند) توانستند وضع نابسامانی میان مسلمانان ایجاد کنند تا جایی که یک مسلمان واقعی شرم داشت آن را یک حکومت اسلامی قلمداد کند.

برای نمونه در کتابهای تاریخی، «سلطان عبدالحمید» را مردی ظالم و خون آشام و بی‌وجدان که دائم سرگرم عیاشی و

۱- به کتاب ازلج الفتن مراجعه شود.

خوشگذرانی با زبان بوده معرفی کرده‌اند، ولی در واقع این سلطان عثمانی از این کارها دور بوده و اتفاقاً از بیشتر سلاطین عثمانی پرهیزگارتر بوده است و تلاش شایان و قابل توجهی می‌کرد تا اسلام را از دست دشمنان و یهودیت حفظ نماید، اما متأسفانه در بُرهه‌ای حساس از تاریخ، حکومت را به دست گرفت که دشمنان به او فرصت ندادند تا وضع را سروسامان بخشد. دشمنان از طریق حزب اتحاد و ترقی ماسونی، آشوبی برپا و او را از سلطنت خلع کردند و دیگر سد و مانعی بر سر راه دشمنان اسلام باقی نگذاشتند و نقشه‌ی مخوف خود را برای متلاشی ساختن اسلام اجرا کردند...

مدعیان نژادپرستی عربی نقش شومی در متلاشی کردن آن حکومت داشتند، زیرا بیشتر رهبران این فکر جاهلی، نامسلمانانی بودند که برای ماسونی جهانی کار می‌کردند و پرورش یافته مدرسه‌های «تبشیر» در کشورهای، شام، مصر و سودان بودند، مدرسه تبشیر به همین منظور تأسیس شده و مُهره‌ی مناسبی برای موقعیت‌های ماسونی و مسیحیت بود.

## فراموشی نقش اکراد در تاریخ اسلام

تاریخ اسلامی گُردهم به همان گونه دچار ناگوارترین تغییر و تحولات گردید و به باد فراموشی سپرده شد. عرب مسلمان در طول تاریخ چیزی در مورد مبارزات و حوادث برادران گُرد هم آیین خود، که در نواحی کوهستانی رشادت‌ها و مردانگی‌ها علیه دشمنان دین برای حفظ آیین نشان داده‌اند، نمی‌دانند. تازه ملت مسلمان گُرد هم درباره تاریخ اسلام و به ویژه تاریخ اسلامی خود، آگاهی بسیار اندک و محدود دارند. نداشتن آگاهی درباره جریانات تاریخ اسلامی یکی از علّت‌های اساسی تضعیف عقیده مسلمانان نسبت به آیین شان و همچنین نسبت به خودشان در عصر حاضر است. علاوه بر این، تسلط فکر ملی گرایی و بی‌توجهی به تاریخ واقعی اسلامی یکی از موجبات یی خبر ماندن از مقام و منزلت اصلی

مکان که باشد. بدان شرط که پرچم «لا اله الا الله و محمد رسول الله» در آن به اهتزاز درآید.

اسلام گردها را متقاعد ساخته بود که سرزمین، هوتیت، عقیده و هر چیزی که بدان بیالند، تنها در اسلام و مبارزه برای حفظ و به اهتزاز درآوردن پرچم آن باید خلاصه شود. در غیر این صورت تلاش و قربانی دادن آنها را برای آزادی قدس عزیز چگونه توجیه کیم؟... به همان گونه اهمیت دادن به زبان عربی<sup>(۱)</sup> در حالی که خود آنها، زیان و میهنه داشته‌اند و دارند و به آن بسیار هم افتخار می‌کنند. پس بی‌شک حبّت اسلام آنها را به تحقق دادن به این آرمان مقدس وادر می‌کرده است...

ملت گردد با عقیده راسخ و سعهی صدر، دین مبین اسلام را پذیرفته و با خون خویش عجین ساخته است. زیرا اسلام طبعاً پاسخگوی فطرت پاکی است که در سرشت آدمی به ودیعت

خودشان در تاریخ اسلام است و نقش مؤثری را که قوم کرد در رشد و ترقی اسلام داشته و باید به آن افتخار کند در بوته‌ی فراموشی افکنده است.

قبل‌اگفتم تاریخ اسلامی، تنها تاریخ عرب نیست و عکس قضیه نیز صادق است یعنی تاریخ عرب هم تاریخ کامل اسلام نمی‌باشد؛ زیرا اقوام غیرعرب هم در پایه‌ریزی تاریخ اسلام سهم داشته‌اند. بی‌گمان تاریخ اسلامی این اقوام با تاریخ اسلامی عرب در هم آمیخته و بر روی هم آینه‌ی تمام‌نمای اسلام خواهد بود.

ملت گردد اسلام را حفظ کرد و علیه استعمار (صلیبیون) که از وحشی‌ترین دشمنان اسلام بودند مبارزه کرد. این در حالی است که قیهرمان مسلمان گردد «صلاح‌الدین ایوبی» رهبری مبارزات را برای حفظ میهنه اسلامی بر عهده گرفته بود. اگر از دیدگاه دینی به آن توجه شود، سندی است برای شناختن همه مسلمانان. میهنه اسلامی به تنها بیهی به شخص و یا قوم خاصی تعلق ندارد، بلکه میهنه تمام افراد مسلمان است در هر زمان و

۱- داشتندان گردد [پیشتر] آثار اسلامی خود را به زبان عربی نوشته‌اند و اعراب این را دلیل عرب بودن آنها می‌دانند.

نهاده شده است: فطرت پاکی که خالق هستی، در زیر سایه‌ی کوههای سفید از برف سر به فلک کشیده و دره‌های عمیق و سر سبز به آنان عطا کرده است. اسلام را پذیرفته و با دشمنان دین مستقیماً به مبارزه پرخاسته و در نهایت شجاعت و شهامت دستورهای اسلام را در جهان به اجرا گذاشته و دشمنان اسلام را خوار ساخته است. این حقیقت بهترین سند پاکی و تلاش این قوم است که مُدام آماده برای پذیریش حق و تضاد و مبارزه با باطل است.

همانطور که گفتیم گُردها نه تنها اسلام را پذیرفتهند، بلکه برای گسترش آن هم صدا با دیگر اقوام مسلمان عرب و ژرک مرزهای آن را به اقصی نقاط جهان تا آسیای صغیر پیش بردند و شرق اروپا را از چنگال ملحدين درآوردند.

باز هم گُردها بودند که اسلام را از دست صلیبیون اروپای غربی آزاد ساختند و حکومتی را تأسیس کردند که منگ بنای توسعه میهن اسلام بود و باز به دست همین اکراد بود که آخرین

قلعه (شعویه)<sup>(۱)</sup> اسماعیلیان در مصر متهدم شد. همچین توanstند نیروی سربازی در شمال افریقا مستقر کنند و دژهای را علیه دولت روم استحکام بخشنند.

به همان گونه مرزهای کشور اسلامی را حفظ و قُدس مقدس را از چنگال صلیبیان درآورند. با ظهور صلاح الدین ایوبی در آن عصر تاریخ اسلام به ویژه و تاریخ جهان به طور کلی تغییر یافت. دولت عباسی آخرین روزهای عمر خود را سپری می‌کرد و دشمنانش در کمین بودند که حمله کنند و سرزمهینهایش را میان خود تقسیم نمایند. و همین رویداد بود که اروپا را از تاریکی و جهالت رها ساخت و آنها را به وضع موجود امروزی رسانید...

شکی نیست که تاریخ اسلامی گُرد از دیدگاههای مختلف در پرده‌ی ابهام مانده و نیاز به تدوین و بازنگری مجدد دارد. تاریخ مبارزات این ملت، شاخه‌ای از تاریخ اسلام و از آن

۱- گروهی افراطی که نژاد عرب را پست می‌پنداشتند. (به فرهنگ فارسی عصید مراجعه شود)

## آثار و تأثیرات دانشمندان گرد به زبان عربی

اکراد در توسعه اندیشه و تمدن بزرگ اسلامی همکاری کرده و این همکاری در زمینه‌های فرهنگی و علوم اسلامی به خوبی نمایان بوده و این خود دلیلی بر عقیده‌ی راسخ آنان می‌باشد. در زمینه علم حدیث هم پیشرو بوده و واقعاً کم نظر نیزند برای مثال: ابن صلاح شهرزوری بزرگترین دانشمند حدیث، گرد است.

همچنین دانشمندان گرد در زمینه گسترش و توسعه علوم شرعی جهد بلیغ از خود نشان داده، صدھا جلد کتاب در علم فقه به نام دانشمندان گرد نوشته شده است. مانند «آیلدى» که صاحب کتاب «الْحُكَامُ فِي اَصُولِ الْحُكَامِ» می‌باشد. همچنین در زمینه تاریخ، چگرافیا و ادبیات، دانشمندانی مشهور که مایه افتخار هستند، از میان قوم گرد پر خاسته‌اند. دانشمند و

جدایی ناپذیر است. و این برای اکراد جای بسی افتخار است و به آن می‌بالند؛ زیرا همه‌ی آن مبارزات نشأت گرفته از عقیده‌ی آنها است. و همین عقیده و ایمان رابطه فکری و روحی، ما را با بقیه‌ی ملل مسلمان پیوند می‌دهد. از این مهمتر این تاریخ مالامال از قهرمانی‌ها و مردانگی و مقاومت است که به نام گذشتگان و اجداد ما به ثبت رسیده است. اسلام باید بزرگترین ملاک وحدت واقعی بین تمام مسلمانان از جمله: عرب، فارس، گرد، تُرك و...، باشد زیرا که مؤسس جامعه جهانی توحیدی است. جامعه‌ای که هیچ فردی بر دیگری برتری ندارد مگر از لحاظ تقوی و فضیلت‌های اخلاقی. فرد فرد جامعه توحیدی همچون دانه‌های شانه با هم برابرند. و همگی از نسل آدم و حوتا هستند. ایشان هم از خاکند و خالق هستی آنان را ارج نهاده است.

تو سده‌ی دین اسلام بود و بازی هست همین اکراد بود که آخرین

و به طور افتخار آفرینی جای خود را در والاترین مقام و بزرگترین تمدن تعیین کرده است.<sup>(۱)</sup> که همان تمدن عظیم اسلامی است و بیشترین سرزمین را میان قاره آسیا، آفریقا و اروپا به خود اختصاص داده و تمام این سرزمین بزرگ را، جهان اسلام باید نام داد. و میهن تمام افرادی است که در آن زندگی کرده و باور اسلامی دارند. و این معنی و تفسیر کلمه هم میهن است که باید در اندیشه و درون هر مسلمانی اعم از ترک، گُرد، فارس، عرب و ...، جای بگیرد.

در جامعه اسلامی نژادپرستی، فردگرایی و ملّی‌گرایی افراطی و رنگ و زیان مطرح نیست. بلکه بهترین و بگانه شناسنامه هر عضو این اجتماع، اخلاق و ایمان راسخ و تلاش در راه عقیده است. حال از هر قوم و نژاد و زیان و رنگی باشد خواه سیاه زنگی جنوب آفریقا باشد، یا عرب و از اولاد پیامبر ﷺ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- به کتابهایی که سالهای اخیر در این زمینه منتشر شده است مراجعه فرمایید و از جمله کتاب «تاریخ مشاهیر گرد» تألیف پایامردوخ روحانی، انتشارات سروش.

موزخ مشهور «ابن اثیر» صاحب کتاب «الکامل فی التاریخ» می‌باشد. «ابن خلکان» تاریخ نویس و جغرافیدان معروف که آثارش همچون ستاره‌ای نورانی در آسمان تاریخ اسلامی می‌درخشد. اینها و دهها افراد دانشمند دیگر که به ناچح فراموش شده و ناشناخته مانده‌اند.

لازم است تاریخ نویسان اسلامی آستین همت را بالا زند تا واقعیت‌های تاریخ اسلام را زنده کنند و زنگار از رخ آن بزدایند و چهره‌ی نورانی آن را آشکار سازند. لازم است اهمیت قام و تمامی به این تاریخ داده شود؛ زیرا بیشتر موارد تاریخ، غنای تمدن اسلام را بر ملامی سازد و پیروان این مکتب را منسجم تر می‌نماید.

پویایی فکری از دیدگاه ملت گُرد، ثمره تمدن اسلامی است که خود در شکل‌گیری آن حضوری فعال داشته‌اند. ملت گُرد ملتی مفتخر و انگل نیست که تمدن و هویت نداشته باشد. آن طور که برخی غرض ورزان از افراد جاہل و ندادان فکر می‌کنند، بلکه ملتی، صاحب اصل و نسب و تاریخ است.

## نقش صلاح الدین ایوبی در بیداری اروپا

پس از اینکه حکومت اسلامی گرد تشکیل شد و جنگ معروف (حتین) به فرماندهی صلاح الدین ایوبی برتری جنگی و عقیدتی را بر صلیبیان به اثبات رسانید، چند مرحله‌ی حساس در شکل‌گیری تاریخ اسلامی گرد و در زمینه‌ی تأثیرگذاری این ملت در حوادث تاریخی به وجود آمد. این حقیقت یک رویداد تاریخی است. مشتی به دهن یاوه گویانی است که این واقعیت را کتمان می‌کنند و سهم ملت قهرمان گرد را نادیده می‌گیرند.

بی‌شک جنگهای صلیبی به عقیده‌ی تمام تاریخ نویسان شرق و غرب، علت اصلی و اساسی در بازیابی حیات اروپا و نابودی نظام فتوح‌الله و تشکیل حکومت‌های مردمی و آغاز انقلاب صنعتی بود. و اروپا هرگز طعم تلغی شکست و تاریخی

که از جانب مسلمانان به رهبری و فرماندهی گردها هدایت و رهبری می‌شد از یاد نبرده است.

«ژنرال الْبَنِی» فرمانده نیروهای بریتانیا هنگامی که با قدرت نظامی منطقه را تسخیر کرد، بر سر مزار صلاح الدین رفت و گفت: «من از فرزندان صلیبیان هستم و اسمم «شارلان» است. فرزندان تو کجا باید؟!» بعد گفت: «امروز جنگ‌های صلیبی پایان یافته» اعتراضی آشکار به فتح صلاح الدین و فرزندانش (یعنی گردها)، ولی آیا واقعاً جنگ‌های صلیبی پایان یافته است؟! این رویداد که تاریخ آن را به ثبت رسانده، مهربی است بر پیشانی تاریخ مردم اروپا که خود را در آن بُرهه از تاریخ باخته است: زمانی که صلیب در برابر هلال پایین کشیده شد خود را باخت، بنابراین ملت کرد مایه و پایه خاص خود را در تاریخ اسلام و تاریخ بشریت دارد. پس اکنون چه شده و چرا بدین حد متروک و متروک شده است؟! و چرا از جانب عرب و ترک این ضدیت با او روا

عرب قلمداد کردند. به این دلیل که آنان آثار خود را به زبان عربی تألیف کرده‌اند.

با این منطق و بینش واهمی و جاهلیت عربی، می‌خواهند قوم کُرد و دیگر ملت‌های مسلمان را از اسلام دور سازند. پس بی‌گمان نقشه شومی به این منظور از جانب دشمنان اسلام از جمله صلیبیان و ماسونری و صهیونیست‌ها طرح و اجرا شده است.

داشته می‌شود؟! در حالی که همه فرزندان یک امت و شاگردان یک مکتبند. که آن هم قرآن حکیم است. و چرا این طبق آغشته به خون را به گردنش انداخته‌اند؟ در حالی که همیشه با جان و مال و اولاد آماده بوده و حاضر و جان بر کف برای آزادی قدس و هر جای غصب شده‌ی جهان اسلام اعلام آمادگی کرده است.

این اختلاف خونین هنگامی شکل گرفت که ترک و عرب از برادر دینی بودن خارج و کم‌کم از وحدت اسلام دور شدند و ملی‌گرایی را اولویت دادند که با این عمل اهداف شوم یگانگان را به شمر رسانندند از جمله:

ا. پیدایش ملی‌گرایی ترکی و عربی به دور از اسلام.

ب. طرد و جدا کردن تاریخ اسلام از اسلام. همچنین تدوین تاریخ ساختگی ملی عربی خالص. که هیچ ارتباطی با تاریخ ملت‌های مسلمان دیگر ندارد. مگر اینکه به طریقی خدمت به شخصیت و ملیت عرب کرده باشند. آنگاه تمام دانشمندان بزرگ اسلامی از دیگر ملت‌های مسلمان را

## نقش استعمار در ایجاد ملی‌گرایی افراطی

پس از اینکه اسلام گسترش یافت و نور تابناکش فراگیر شد و اروپا روحیه خود را باخته بود، دشمنان اسلام در خفا و پنهان نقشه خاموشی و نابودی آن را کشیدند. هنگامی که شهر قسطنطینیه به تر غیب (سلطان محمد فاتح) آزاد شد و پایتخت حکومت عظیم اسلام شد، دولت اسلامی توسعه چشمگیری یافت و بر اغلب مناطق اروپا چیره گشت. زیرا جهاد پایه و مایه گسترش و ماندگاری اسلام بود. از سوی دیگر جامعه اسلامی اجتماعی جهانی است که در چهارچوب آن تمام نژادها و اقوام جای دارند که حاکمی از توانایی جهان شمالی این عقیده‌ی دینی می‌باشد.

اندیشه‌ی توسعه اسلامی (فتح) آرزوی سلاطین عثمانی بود. خصوصاً در غرب اروپا؛ زیرا اروپای شرقی را کاملاً از

چنگال کفر و جهالت بیرون آورده بودند. صدای سُم اسباب غازیان مسلمان، دل و جان کاخ نشینان اروپا را به لرزه انداخته بود. به همین دلیل تمام اروپا متحده شد تا تنها مانع سر راه را که حکومت عثمانی بود براندازند. و تمام ثروتهای دنیا ای شرق و اسلام را غصب کنند. برای این کار لازم می‌دیدند که بنای این حکومت را ریشه کن سازند و پرچم خلافت اسلامی در صحنه تاریخ محو کنند.

دشمنان اسلامی اطمینان داشتند که رمز ماندگاری این حکومت، اسلام است. «لورد کرومِر» که سفير آن زمان بریتانیا در قاهره بود رو به انگلیسها کرده و می‌گوید: «تا زمانی که این قرآن تلاوت شود و کعبه زیارتگاه باشد شما نمی‌توانید اهداف خود را در این مناطق پیاده کنید». <sup>(۱)</sup> ماسونری و مسیحیت جهانی با هم به منظور ضعف و نابودی اسلام از سنگر سفارتخانه‌هایشان در استانبول و دیگر

۱- سخنی شیه به این مفسون را به زیرالگلادستون وزیر مستعمراتی انگلیس نیز نسبت می‌دهند. (متترجم)

شهرهای اسلامی طرح نابودی اسلام را بین خود شکنده‌های «تبییر» در سراسر جهان گسترش داد و تخم بدگمانی را در درون افراد جامعه اسلامی نسبت به خدا، پیامبر، خلفای راشدین و دیگر رهبران اسلامی کاشتند و آیاری کردند و از جهالت و یسوسادی مردم که در مناطق اسلامی به سبب دور شدن از احکام قرآن و سنت بر جامعه‌های مسلمین سایه افکنده بود، و افزون بر آن ناگاهی دولتمردان به خوبی سوء استفاده کردند.

گذشته از این شرق شناسان تاریخ اسلام را نوشتند و تاریخ جاهلیت عرب را زنده ساخته و لباس تزادپرستی را بر قامت تاریخ اسلام پوشاندند. و این اولین قدمی بود که توانستند روح اسلامی را از تاریخ اسلام بگیرند و بذر تزادپرستی و ملی گرایی منفی را خصوصاً میان ترکها و عربها، بکارند.

یهودیت هم از طریق دستگاههای «جاسوسی» در براندازی دولت عثمانی نقش مهمی بازی کرد. این بود که به وسیله حزب اتحاد و ترقی تورانیان توانستند، سلطان صلاح الدین ایتویی که از او پرسیدند علت اینکه هرگز

عبدالحمید را از تخت خلافت پایین بکشند که خود مهمترین مانع بر سر راه صهیونیزم جهانی بود. تا بتوانند قطعه زمینی در قلب جهان اسلام در فلسطین به دست آورند.

کاراسو رئیس یهودیان در کشور عثمانی برای گرفتن یک قطعه زمین در فلسطین در مقابل ۲۰ میلیون لیره طلای ناب نزد سلطان عبدالحمید رفت و این در حالی بود که خزانه مملکت خالی و دولت عثمانی در نهایت ضعف مالی بود، اما این سلطان بزرگ (خدا اجرش دهد) در مقابل (کاراسو) گفت: «ای درنده‌ی خوک منش! خاکی که با خون مسلمانان آیاری شده باشد جز با ریختن خونمان به این دژخیمان نخواهم داد و تاریخ دودمان و نیاکانم را فاسد نخواهم کرد و این سرزمین باید همیشه وطن اسلامی باقی بماند.»

در تاریخ معاصر تا حال مشاهده نشده که یک رهبر عرب چنین اقدام شجاعانه‌ای مانند این سلطان قهرمان نسبت به مسئله فلسطین انجام داده باشد. و یا مانند سلطان صلاح الدین ایتویی که از او پرسیدند علت اینکه هرگز

شوند، با هم متحد شدند و پیمان «الوزان» را میان ترکیه و کشورهای اروپایی منعقد ساختند. در این پیمان پهلوان پنهانی ملی‌گرای ترکیه یعنی کمال آتاترک آشکارا قول داد به طور کلی آثار اسلامی را در ترکیه برچیند. به این منظور حجاب زنان، لباس ملی و محلی خصوصاً برای روحانیون را ممنوع ساخت. و به جای آن لباس فرنگی را مُدد کرد و مجازاتهای سختی برای کسانی که در این مورد نافرمانی کنند در نظر گرفت. همچنین قانون و شریعت اسلامی را ممنوع و به جای آن قانون غربی جایگزین ساخت.

بدین شیوه بُت ساخته‌ی استعمار در ترکیه، یعنی کمال آتاترک، اقدام به دولتی بر اساس إلحاد و ملتی نمود و دین را از سیاست جدا کرد و از صحته‌ی اجتماع برچید و سیاست «تریک»<sup>(۱)</sup> بر گرد و عرب منطقه تحمیل و رابطه ترکیه را با جهان اسلام قطع کرد.

آری آتاترک تیر زهراگین خود را علیه گرد در این کشور

۱ - به زور تُرك کردن.

نمی‌خندی چیست؟ در جواب گفت: «چطور ممکن است بخدمت در حالی که قدس عزیز زیر دست صلیبیان می‌نالد.» این در حالی است که امروز می‌بینیم که چگونه رهبران ناسیونالیزم حلقه به گویش عرب، فلسطین و بقیه مناطق را در مقابل دریافت پول به دشمنان فروخته و تقدیم آنان می‌کنند و رسوایی هر دو دنیا را برای خود می‌خرند.

بعد از براندازی سلطان عبدالحمید قدرتهای جهانی از جمله: بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، روسیه و آمریکا به دولت عثمانی حمله برداشت و در جنگ جهانی اول آن دولت سقوط کرد و مناطق اسلامی جهان را میان خود تقسیم کردند. و از آن پس بیشتر و بهتر نقشه‌ی شوم خود را اجرا کردند. و بغض و کینه هزار ساله‌ی خود را تسکین بخشیدند. و در قلب دنیا اسلام یعنی ترکیه، پهلوان پنهانی را روی کار گذاشتند و لباس قهرمانی را بر تنش آراستند، تا وانمود کنند که این فرماندهی مبارز یعنی «کمال آتاترک» توانسته ترکیه را از سقوط نگه دارد. و بر دشمنان چیره گردد. می‌پس به خاطر اینکه بیشتر موفق

رها ساخت، جلادانه آشکاری برای زدن سران اکراد به صورت جمعی برپا کرد. و اینان هیچ گناهی جز گزد و مسلمان بودن نداشتند و زیر یوغ استبداد نمی‌رفتند و راه دین را رها نمی‌کردند. این ستمگر به دستور اربابان اروپایی خود به این اقدام دست زد تا آنحوت بین گزد و تُرك راقطع و اقت اسلام را متلاشی و برادرکشی را میانشان رایج نماید.

همچنین در مراکز آموزشی و مدارس کشورهای عربی توسط یهودیهای مخلصی همچون: پطرس بُستانی، ناصیف یازجی و بشارت خوری، که در دستگاههای تبیشی بدین منظور تربیت شده بودند، ندای ملی گرایی سردادند. اینان همگی یهودی بودند و زیرکانه در این مسیر تلاش پی گیر داشتند و در جهت اهداف پلید خویش چندین سازمان و حزب ملی را در میان اعراب سوریه لبنان و دیگر مناطق عربی تأسیس کردند.

## نقیم کشورها بعد از جنگ جهانی اول

امپرالیسم صهیونیزم در قرن بیستم غصب کشورهای اسلامی را دستور کار خود فرار داد و سرزمین‌های اسلامی را میان خود تقسیم نمود. عراق سهم انگلیس شد. ملت گزد عراق چون شیر به فرماندهی قهرمان مسلمان گزد («شیخ محمود حفید») پرچم اسلام را برافراشت و در مناطق شهر سلیمانیه مقابله استعمار انگلیس ایستاد و شهدای زیادی را تقدیم کرد. همچنان گزدها در به ثمر رساندن انقلاب ۱۹۲۰ میلادی عراق نقش مهم داشتند، اما متأسفانه کتابهای تاریخ معاصر این موضوع را ذکر نکرده و شرکت فعالانه اکراد را نادیده گرفته‌اند. به همین دلیل لازم است تحقیق و کنکاش صورت پذیرد تا موضوع روشن شود. یگمان تعصّب و ملی گرایی عربی سبب مخفی کردن و به فراموشی سپردن این واقعیت شده است.

کینه و تفرقه که امپریالیستها بین ترک، عرب، گرد و دیگر اقوام بر افروخته بودند، بیشتر دامن می زدند. و حتی الامکان بر عمق دشمنی می افزودند. مسؤولین عرب نژاد بغداد نیز همیشه به فرمان اریابان خود عمل کرده و بر ملت گرد ستم روا دیده و حقوق آنان را پایمال ساخته‌اند. از جانب دیگر حلقه به گوشان ییگانه، بذر کینه و دشمنی را در بین اکراد نسبت به اسلام می پاشیدند. زیرا چنان وانمود کردند که اسلام دست آویز و سبب شده که اعراب بر ملت گرد ستم روا دارد. در واقع مسؤولین امر زمان حاضر هم از اسلام واقعی دور بوده و در جهت هدفهای ییگانگان می باشند. و بیشتر احزاب و سازمانهای سیاسی را حمایت و پی‌ریزی می کنند که برنامه إلحاد و نظریه نژادپرستی افراطی را قبول دارند تا پایه تفاوت‌های خونی و نژادی را در بین مردم مستحکم تر سازند. این گونه متولیان همیشه به صورت اقلیت به گردها می نگرند. در این حال باید پرمیید که عکس العمل گردها نسبت به این خیزش ملی گرایی چگونه باید باشد؟ و چه

بعد از اینکه امپریالیسم از کشورهای اسلامی به ظاهر عقب‌نشینی کرد، چند دولت ملی و محلی دست نشانده‌ی خود را در چهارچوب إلحاد و ملی‌گرایی افراطی به جای خود قرار داد و به این دلیل دگرگونی و پیشرفت‌های چندانی صورت نگرفت. آری به ظاهر امپریالیسم تیروی نظامی را از کشورهای اسلامی بیرون راند، ولی تسلط فکری و فرهنگی بر مسلمانان حکم‌فرما بود. رجال کشورهای دست نشانده با همان فرهنگ و بیش ییگانه کار می کردند و تقلید کورکورانه بر آنان حاکم بود و این هم به سبب احساس بسی کفایتی و ضعف فرهنگی خودشان در مقابل تمدن و فرهنگ اروپایی بود.

از سوی دیگر دست‌اندرکاران و دولتمردان کشورهای مستعمره از تربیت یافته‌گان جامعه عصر استعمارگر بودند و با شیر و شکر امپریالیسم پرورش یافته و از اسلام و مردم کشورهایشان دور شده بودند. و تنها دل باخته و عامل فرهنگ و بیش غربی و ملی‌گرایی بودند و بس. این بود که آن‌ها آتش

تفصیل کشورها بعد از جنگ جهانی اول ... ۵۷

حدیث می‌تواند باشد.

در عراق جمعیت اکراد حدود یک سوم ساکنین این کشور را تشکیل می‌دهند. با وجود این نژادپرستان بغداد همیشه آنها را اقلیت به حساب می‌آورند. ظلم و ستم و قتل عام، ویران کردن شهر و روستا و آواره کردن و منطقه‌های گرد را به اجراء عرب نمودن، برنامه و کار همیشگی آنان است.

غیر از عراق بیشتر گردها در کشورهای همجوار هستند. همچنان تعداد کثیری در کشورهای روسیه، سوریه و لبنان زندگی می‌کنند که وضع آنان نیز از وضع گردهای عراق بهتر نیست و بلکه در پاره‌ای موارد بسیار بدتر است. پداست کلیه عوامل درونی، اجتماعی، اقتصادی و ملی مسبب می‌شود عمق کینه و دشمنی گردها هم بیشتر شود. وزمینه‌ای فراهم می‌سازد تا دست انتقام آغشته به خون گُرد مؤمن وارد میدان شود.<sup>(۱)</sup>

در این اواخر (غذه سلطانی) در قلب کردستان جای پای خود را باز گرده و لباس ملی گرایی بر تنش آراسته‌اند و با نام

۱- جنگ داخلی و برادرگشی در عراق.

انتظاری از کُرد مسلمان باید داشت!؟ وقتی خود اعراب پرچم نژادپرستی را برافراشت و مملک دیگر را می‌بیند که ملی گرایی را ترویج می‌دهند...

آنچه بیشتر زخم گردها را عمق بخشیده و خطرناک است ستم ملی است که ترک و عرب و... و... بر آنان روادیده‌اند. شهرها و روستاهای گُردنشین را از تمام برنامه‌های صنعتی و تمدن محروم و فراموش کرده و مانند اقلیت زیر پا له ساخته‌اند. در حالی که فقط تعداد کُرد عراق بیشتر از تمام مسیحیهای ساکن کشورهای عربی می‌باشد. با همین نگرش ظالمانه و ناحق به حال و وضعی اکنون دچار ساخته‌اند که در وطن و میهن اصیل خود احساس تنها بی می‌کنند و علت اساسی این همه بدینختی ریشه در قانون جنگل و غارت ثروتها ملی و ماذیات دارد. وقتی پامبر می‌فرماید:

«دُعُوها فَإِنَّهَا مُئِنَّةٌ»

از آن دست بکشید و دور شوید؛ زیرا گندیده است. ملی گرایی افراطی و نژادپرستی یکی از مصادیق این

رهایی ملت گرد ستمدیده، اغلب جوانان را فریب داده‌اند که گویا بهترین راه رستگاری است. اما باید گفت این یک حیله و نیرنگ استعمار نواست و می‌خواهد در این منطقه‌ی حساس و استراتژیکی تسلط خود را تثیت کند و به حساب گرد مستضعف اهداف شوم خود را پیاده نماید. [پس با این وضع باید عرب و... و... چه انتظاری از گرد داشته باشند؟! در حالی که با فراهم آوردن شرایط و اوضاع؛ ملت گرد را از اسلام تاراندند و آنها را وادار کردند به ناسیونالیستی و مارکسیستی روی آورند. ملت مظلوم گرد وقی که می‌بیند عرب و ترک از هر سو آنان را سرکوفت می‌زنند، ثروتهای خدادادیشان را به غارت می‌برند و حقشان را پایمال می‌کنند و با چشم خواری و ذلت او را می‌نگرند، چه کاری می‌تواند بکند؟! عکس العمل گرد چگونه باید باشد وقتی می‌بیند اعراب که خود را از پامبر می‌دانند و نخستین غازیان آین اسلام بودند، اکنون خود از اسلام فاصله گرفته و اکراد برادر دینی خود را با مسیحیان مزدور امپریالیسم و صهیونی معاوضه می‌کنند؟!

ملت مسلمان گرد از اعماق قلب برادر مسلمان عرب و ترک و... را دوست دارد و نمی‌خواهد میانشان فاصله‌ای باشد، اما وقتی اعراب تازیانه‌ی ملی گرایی منفی و افراطی و الحاد را برداشته و از اخوت اسلامی خود را به کنار کشیده‌اند، شکنی نیست که چیزی برای گرد باقی نمی‌ماند جز ملی گرایی؛ آن هم برای حفظ هویت تاریخی خود.<sup>(۱)</sup>

به این شیوه اعراب قبل از هر قومی سعی کردند این ملت مظلوم را از خود و اسلام دور سازند که بی‌گمان در دادگاه عدل الهی نسبت به این خیانت بزرگ باید پاسخگو باشند. زیرا آنان بودند که تزاد پرستی جاهلی را در منطقه احیا کردند. ما مطمئن هستیم، اکراد مسلمان اگر در زیر لوای اسلام دست عطوفت و برادری از جانب اعراب به سویش دراز شود، بی‌شک اندیشه

۱ - دولتهای مرکزی منطقه‌های کردنشین را همانند (زن بابا) می‌نگردند. با وجود استعدادهای شکوف خدادادی، هیچ کارخانه مهم و مؤسسه‌ی رفاهی در خود در شهرها و روستاهای کردنشین به چشم نمی‌خورد. اقداماتی از قبیل جاده و روشنایی برق را پیشتر به حساب نیاز دولتهای مرکزی و جوابگویی به تحركات نظامی می‌توان گذاشت.

## نقیم کشورها بعد از جنگ جهانی اول ... ۱۶

مهمنترین و بهترین وسیله پیوند بشریت است، ناسیونالیستی منفی را جایگزین سازند به این امید که وسیله‌ی وحدت خود آنان فراهم شود.

وحدت نژادی حاصل غریزه اجتماعی جانداران است و این نظریه را اکثر جامعه‌شناسان تأیید می‌کنند. پس احساس نژادی یک احساس ساده و ابتدایی جانداران است که از (غریزه) نشأت می‌گیرد نه اینکه باوری عمیق و فلسفه‌ای محکم باشد تا درباره‌ی جهان و حیات و انسان حرفی برای گفتن داشته باشد. و یا اجتماع انسانی بر اساس آن پی‌ریزی گردد و لایق آدمی باشد.

پس اگر واقعاً جامعه اسلامی حقیقی تشکیل شود اکراد هم خود را با ملی گرایی مشغول نساخته و با شادی و شادکامی همگام با سایر برادران مسلمان خود همزیستی مساملت آمیز خواهند داشت، اما آیا واقعاً نژادپرستان امروزی این واقعیت را می‌پذیرند. در حالی که از پا تا فرقی سر در با تلاق جهالت نژادپرستان افراطی فرو رفته‌اند؟!!!

ملی گرایی را به کار خواهد نهاد و به آن بهایی نخواهد داد. زیرا این ندای جاهلانه از جانب نژادپرستان افراطی بر اکراد تحمیل شد، تا وسیله‌ای فریب دهنده برای احراق حق و حریه‌ای علیه ظلم و ستمی باشد که از سوی ناسیونالیستهای افراطی بر او تحمیل کرده‌اند. این فریاد مظلومیت ملت گردد، حاصل وضع خاص موجود و نتیجه‌ی تحمیل‌ها است. و از عمق وجود نشأت می‌گیرد نه اینکه نتیجه‌ی فلسفه‌ای بر بافتی پوچ و بی محتوای بیگانگان باشد. (مانند اعراب) گردها، برادر عربها، ترکها، افغانیها و سایر اقوام و ملل اسلامی هستند و بر حفظ آن ایمان راسخ دارند؛ البته به شرطی که آنان مسلمان واقعی باشند و دعوی برتری‌ها را بدور بریزنند. عکس العمل گردها در برابر اسلام دال بر این است که نزد این مردم اسلام آین تمام بشریت است، نه مخصوص عرب. اگر چه پیروان اندیشه ناسیونالیستی عرب می‌خواهند طوری وانمود سازند که مختص اعراب است و تنها آنان باید از اسلام بپره بپردند. و بی‌گمان هدف‌شان این است به جای اسلام که

## خاتمه

لازم است آینده نگری و تذکرات دیگری به حاملین پرچم نژاد پرستی عرب یادآوری کنیم. چرا هر زمان بحث پیاده کردن قوانین اسلام را به میان می کشند، به حال اقلیت‌های مذهبی مسیحی و یهودی ناله سرمی دهند و می گویند اگر اسلام اجرا شود این اقلیت‌ها تکلیف‌شان چه خواهد شد و به کجا خواهند رفت؟ مدعی هستند تضاد دینی باعث تفرق میان فرزندان یک ملت می گردد. به این بهانه واهمی و پوچ متول می شوند تا از زیر بار پیاده کردن قوانین اسلام شانه خالی کنند.

حال باید پرسید در گنجای عصر طلایی اسلام<sup>(۱)</sup>، اقلیتی مظلوم واقع شده و حقشان پایمال گردیده است؟ آیا مانند بقیه‌ی مسلمانان حقوقشان حفظ نشده است؟ آیا اسلام که

آین آسمانی است، حقوق همه را و حتی جانداران را هم رعایت نکرده است!؟

پس چرا دلشان به حال ملت مظلوم گرد نمی سوزد که تنها در عراق تعدادشان بیشتر از تمام اقلیت‌های مذهبی است که در جهان عرب زندگی می کنند؟ چه چشمی بزرگتر از این است که ملت گرد را اقلیت به حساب می آورند؟ در حالی که کردها تاریخی افتخارآمیز و درخشان با برادران عرب خود، برای حفظ و توسعه‌ی سرزمین‌های اسلامی دارند.

آیا گناه نیست ملت گرد را اقلیت ملی حساب کرد. در حالی که فرمانده قهرمانی چون صلاح الدین ایوبی دارد که قدس مقدس و اکثر مناطق سوریه، لبنان، فلسطین و مصر را از چنگال وحشی ترین دشمنان اسلام و عرب نجات داد؟؟

در پایان این مقدمه، لازم است این واقعیت را پذیریم و یادآور شویم که:

مسئله‌ی گرد یکی از مهمترین مسائل بُغرنج جهان اسلام است. زیرا مسئله‌ی ملتی است که در گذر زمان تاریخی

پُرافتخار و قهرمانانه داشته و در گذشته‌ی تاریخ اسلام شایستگی خود را در درجات سرداری جهان اسلام و گسترش هر زهای حکومت اسلامی به خوبی نشان داده و در ترسناکترین مقطع تاریخ که بر هشتر زمین سایه افکنده بود پرچم جهاد را به اهتزاز درآورده است.

این موضوع نیاز به بازنگری و کاوش خالصانه دارد که بر اساس تحقیقات علمی پایه‌ریزی گردد و از اسناد ثبت و ضبط شده و منابع علمی مورد اعتماد کمک گرفته شود تا اینکه تاریخ این قوم ستمدیده روش و معزّفی گردد.

به امید آنکه علت اساسی و مؤثری برای آغاز احیای روح اسلامی باشد.

این مقدمه لازم است چراغی فرا راه یک مسؤولیت تاریخی، برای تفخیص در تاریخ این ملت مسلمان باشد که لبریز از حوادث عبرت‌انگیز و مقاومتی افتخارآمیز است. در پایان خدایین را سپاس می‌گوییم که از هر چیز پیراسته است. «پایان»